



جغرافیا و روابط انسانی، پاییز ۱۳۹۹، دوره ۳، شماره ۲

مسئولیت کیفری اطفال و نوجوانان

(مطابق کود جزای افغانستان و قانون مجازات اسلامی ایران)

محمود پوپل

دانشجوی مقطع دکتری رشته حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه فردوسی مشهد، شهروند افغانستان

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۸/۱۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۱۷

چکیده

بزهکاری اطفال و نوجوانان از موضوعاتی مهمی است که در سال های گذشته توجه افکار عموم و بسیاری از دانشمندان حقوق را به خود جلب نموده است. با مطالعه دقیق علل و عوامل بزهکاری اطفال و نوجوانان، می توان به کاهش آمارهای رو به افزایش بزهکاری آنان کمک نمود. پس مطالعه و بررسی مسئولیت کیفری اطفال و نوجوان در هر کشوری یک امر ضروری است.

بنابراین در پژوهش حاضر مسئولیت کیفری اطفال و نوجوان و عوامل بزهکاری آنان با توجه و با توجه به کود جزا و قانون رسیدگی تخلفات اطفال افغانستان و قانون مجازات اسلامی ایران بررسی گردیده. همچنین با تصویب قانون "حمایت از کودکان و نوجوانان" در کشور ایران و قانون "رسیدگی به تخلفات اطفال" در کشور افغانستان نشانه های از پذیرش سیاست کیفری افتراقی در برخورد با جرایم علیه اطفال در حقوق کیفری ایران و افغانستان، نمایان گردیده است. قوانین که بر خلاف عنوان کلی آن فقط با جرم انگاری برخی رفتارهای خاص در صدد حمایت کیفری ویژه از اطفال برآمده است.

کلید واژه گان

مسئولیت کیفری، نوجوان، بلوغ، طفل، تخلفات و بزهکار

مقدمه

قواعد و مقررات کیفری، جزء قواعد آمره و رعایت آن یک امر الزامی بوده و مربوط به حفظ نظم و امنیت و آسایش عمومی جامعه است. چنانکه دولت به عنوان نماینده مردم عهده دار برقراری نظم، امنیت و آسایش مردم است.

بنابراین ارتکاب جرم در شرایط عادی، اعم از این که به تنهایی عمل مجرمانه را انجام دهد و یا با همکاری دیگران، هم خود شخص هم شرکاء و معاونین آنان دارای مسئولیت کیفری خواهد بود. چنانکه در ماده ۸۴ کود جزا افغانستان آمده است « ۱- مسئولیت جزایی یک امر شخصی است. ۲- مسئولیت جزایی وقتی به وجود می آید که شخص به اراده آزاد و در حالت صحت عقل و ادراک مرتکب عملی گردد که قانون آن را جرم شناخته باشد». ولی در پاره ای از اوقات قانون گذار با وجود اجتماع عناصر- مادی، روانی و قانونی- جرم مرتکب عمل مجرمانه را به جهات مختلف قابل تعقیب، مجازات و کیفر نمی داند. به عبارت دیگر برای این که بتوان از نظر جزایی کسی را مسئول دانست باید امکان انتساب خطا یا تقصیر به وی باشد. بنابراین اگر مجرمی به دلایل و عللی نتواند گناه مسئولیت خود را تحمل کند، در این شرایط جرم را نمی توان به مجرم نسبت داد، لذا مسئولیت او زایل می گردد. مثلاً کودکی که فعل مجرمانه ای را انجام می دهد به دلیل این که در محدوده سن مسئولیت پذیری قرار ندارند نمی توان بخاطر جرم انجام گرفته او را کیفر داد.

جرائم اطفال و نوجوانان یکی از مهمترین دغدغه های مدرنیته است، به گونه ای که این موضوع، توجه سیاستمداران، مطبوعات و عموم مردم را به خود جلب نموده است. از این رو، این تصور ایجاد شده است که بزهکاری نوجوانان پدیده ای منحصر به زمان و حال است. این تصور به درستی در این عبارت عامیانه خلاصه می شود: "درد سر امروزی کودکان برای جامعه" (Muncie, J. 1984,68) اما در حقیقت بزهکاری نوجوانان، و نگرانی و ناامنی که در نتیجه آن ایجاد می شود، تاریخی ای طولانی دارد و از این رو این اعتقاد که جرائم نوجوانان منحصر به زمان حال می شود، به اندازه اعتقاد به افزایش میزان و شدت آن غلط است.

با تصویب قانون "حمایت از کودکان و نوجوانان" در ایران و قانون "رسیدگی به تخلفات اطفال" در افغانستان نشانه های از پذیرش سیاست کیفری افتراقی در برخورد با جرائم علیه اطفال و نوجوانان در حقوق کیفری ایران و افغانستان، نمایان می گردد. قوانینی که بر خلاف عناوین آن فقط با جرم انگاری برخی رفتارهای خاص در صدد حمایت کیفری ویژه از اطفال و نوجوانان بر آمده است و نیز برای اولین بار در کشور ایران و افغانستان

^۱ - در مورد تحولات تاریخی مربوط به بزهکاری نوجوانان و برخورد با این بزهکاران در ایران رک، شامبیاتی، هوشنگ، بزهکاری اطفال و نوجوانان، تهران، چاپ کیان، چاپ سوم، ۱۳۷۲، صص ۴۵-۲۳.

اصطلاح "کودک آزاری" را وارد ادبیات حقوق این دو کشور نمود. سن بزه دیدگی را همگام با یافته های علمی و کنوانسیون حقوق کودک هجده سال تعیین نموده.

جرم انگاری اعمالی نظیر: هر گونه صدمه، اذیت، آزار، شکنجه جسمی و روحی کودکان، نادیده گرفتن عمدی سلامت و بهداشت روانی و جسمی کودکان، ممانعت از تحصیل آنها، هرگونه خرید، فروش، بهره کشی و به کارگیری کودکان به منظور ارتکاب اعمال خلاف، از نوآوریهای دو قانون فوق به شمار می آید. محور اصلی این پژوهش، بررسی مسئولیت کیفری طفل و نوجوان در قانون مجازات اسلامی ایران، کود جزای افغانستان و قانون رسیدگی به تخلفات افغانستان است.

۱- مفهوم مسوولیت و مسوولیت کیفری

مسوولیت در لغت به معنای مورد سوال و باز خواست کردن است و مسوولیت کیفری به معنای سوال از مجرم برای ارتکاب جرم است و در اصطلاح حقوقی به معنای ملزم شدن مجرم به تحمل نتایج قانونی است که بر ارتکاب جرم مترتب می باشد و منظور از نتایج همان مجازات و اقدامات تأمینی می باشد (عبید، ۱۹۹۸، ۱۱). همچنین در تعریف مسوولیت آمده است که "مسوولیت عبارت است از رسیدن به حد کمال جسمی و فکری که علت یک عامل داخلی مختل نشده باشد، در حالی ممکن است رشد جسمی و فکری مرتکب الزاماً مترادف با مسوولیت نباشد (هوشنک شامبیاتی، ۱۳۹۲، ۲۱۱)".

مسوولیت کیفری گاهی مبتنی بر خطا و تقصیر مرتکب است که مجازات را در پی دارد و گاهی مبتنی بر خطرناک بودن مجرم است که مستوجب اقدامات تأمینی خواهد بود. مسوولیت کیفری امری جدا از عناصر عمومی جرم (عنصر قانونی، مادی و معنوی) است. بنابراین شخص ممکن است جرمی را با همه عناصر آن انجام دهد اما مسوولیت کیفری نداشته باشد مثلاً طفل ممیزی که مرتکب سرقت می شود، عمل ربودن مال غیر را انجام داده است و عمل او از نظر قوانین جزایی، جرم است و ارادی نیز می باشد اما از آن جا که طفل، فاقد قدرت تشخیص است مسوولیت کیفری ندارد و در عمل انجام شده به عنوان جرم، نقصی وجود ندارد بلکه نقص، مربوط به مرتکب جرم است (عباس زراعت، ۱۳۸۵، ۲۲۱).

در اسلام عمل مجرمانه اختصاص به انسان دارد و غیرانسان (حیوان) به دلیل فقدان عقل و آگاهی هرگز مجرم تلقی نمی شود، هرچند جلوگیری از رفتار زیانبار او لازم است. از طرف دیگر انسان مجرم تا هنگامی مستحق مجازات است که در قید حیات باشد و با مرگ او اعمال هرگونه مجازات و حتی بی احترامی به جسم او ممنوع است.

اسلام در خصوص مسوولیت کیفری نیز در دیدگاهی واقع بینانه شروطی را برای تحقق آن پیش بینی کرده است که در صورت فقدان هر یک از آنها مسوولیت کیفری متفی خواهد گردید، یا با وجود مسوولیت کیفری در مواردی، مجازات با مانع برخورد نموده، اعمال نخواهد شد.

از دیدگاه اسلام بلوغ و عقل و علم و آگاهی، اراده آزاد و اختیار، هوشیاری و بیداری، مهم ترین شرط های تحقق مسوولیت کیفری هستند. بنابراین، انسان صغیر (طفل و کودکان)، مجنون و... هرگز مسوولیت کیفری نداشته و قابل مجازات نیستند.

مورد علت عدم مسوولیت کیفری طفل ممکن است گفته شود که رفتار این اشخاص رفتاری ارادی نیست، بنابراین همچون حیوانات که اراده ندارند فاقد مسوولیت کیفری هستند. همچنین ممکن است گفته شود که این اشخاص فاقد عنصر معنوی جرم هستند. لذا عملی که انجام می دهند به علت فقدان شرایط جرم، عمل مجرمانه به حساب نمی آید. هر دو دیدگاه فوق قابل پذیرش نیست زیرا صغیر (اطفال و نوجوانان) نیز دارای اراده هستند اما اراده آنان با همراه با تمیز و تشخیص نیست و اصولاً قانونگذار اراده را معتبر می داند که همراه با تمیز و تشخیص باشد. قانونگذار افغانستان و ایران نیز ارتکاب جرم از سوی صغیر را ممکن می داند (مواد ۸۸ و ۱۴۶ قانون مجازات اسلامی، ماده ۸۸ و ۹۶ کود جزای افغانستان) به ارتکاب جرم از سوی اطفال و نوجوانان اشاره دارد. یعنی عملی که ایشان انجام میدهند، جرم است اما فاقد مسوولیت کیفری هستند. در منابع شرعی نیز (مانند حدیث رفع قلم) مسوولیت کیفری از دوش این اشخاص را برداشته اند.

۲- مفهوم طفل و نوجوان

طفولیت از گذشته های بسیار دور، علتی برای رفع مسوولیت کیفری شناخته شده است هرچند این دوران براساس زمان و مکان متغیر بوده است. حال ممکن است این سوال مطرح شود که به چه کسانی طفل اطلاق می شود؟ قوانین جزایی افغانستان و ایران که بر پایه فرض مسوولیت بنا شده است، اطفال را به خاطر فقدان شعور و تمیز کامل معاف از مجازات می دانند.

قانون رسیدگی به تخلفات اطفال افغانستان در ماده ۴ بند ۱ مقرر میدارد که " طفل شخصی است که سن ۱۸ سالگی را تکمیل نکرده باشد." و هم چنان طفل را به سه دسته تقسیم کرده است.

✓ طفل غیر ممیز: شخصی است که سن هفت سالگی را تکمیل نکرده باشد.

✓ طفل ممیز: شخصی است که سن هفت سالگی را تکمیل و دوازده سالگی را تکمیل نکرده باشد.

✓ **طفل نوجوان: شخصی است که سن دوازده سالگی را تکمیل و هجده سالگی را تکمیل نه کرده باشد.**

کود جزای افغانستان نیز در ماده ۹۵، بیان کرده است که طفل به شخصی اطلاق می‌گردد که هجده سال را تکمیل نکرده باشد و در ماده ۹۶ این قانون بیان شده است که طفلی که ۱۲ سال را تکمیل نکرده باشد مسئولیت جزایی و دعوای جزایی علیه وی اقامه نمی‌شود.

در ماده ۱۴۶ قانون مجازات اسلامی بیان گردیده است که افراد نابالغ فاقد مسئولیت جزایی هستند و نیز در ماده ۱۴۷ این قانون سن بلوغ مشخص گردیده است. چنانکه ماده مذکور مقرر می‌دارد "سن بلوغ در دختران و پسران به ترتیب نه تا پانزده سال تمام قمری است".

بنابراین در حقوق جزای افغانستان طفل غیر ممیز (اطفالی که ۷ سال) و طفل ممیز (اطفال که ۱۲ سال) را تکمیل نکرده‌اند، فاقد مسئولیت جزایی شناخته شده‌اند. اما اطفال نوجوانان دارای مسئولیت جزایی بوده و در صورت ارتکاب عمل مجرمانه مورد پیگیری قانونی قرار می‌گیرند، با این تفاوت که قانون مجازات اسلامی ایران دختران که ۹ سال و پسران ۱۵ سال قمری را تمام نکرده‌اند، فاقد مسئولیت جزایی می‌داند. لذا در حقوق جزای افغانستان اطفال زیر ۱۲ و در ایران دختران زیر ۹ سال و پسران زیر ۱۵ سال تمام قمری دارای مسئولیت جزایی نیستند.

۳- مسوولیت کیفری اطفال و نوجوان

مشخص شد که بر اساس حدیث "رفع القلم"، و ماده ۹۶ کود جزای افغانستان اطفال زیر ۱۲ سال و نیز ماده ۱۴۶ قانون مجازات اسلامی دخترانی که ۹ سال و پسرانی که ۱۵ سال قمری را تمام نکرده باشند، مسئولیت کیفری نداشته و مورد مجازات قرار نمی‌گیرند اما طفل نوجوان که ۱۲ سال را تکمیل نموده باشند در حقوق جزای افغانستان دارای مسئولیت کیفری شناخته شده‌اند.

حال ممکن است این سوال مطرح شود، وقتی که کودکان مسئولیت کیفری ندارد باید حال خودش رها می‌شود؟ در جواب می‌توان گفت، عدم مسئولیت جزایی اطفال به این معنی نیست که آنان کاملاً رها شوند بلکه دادگاه با توجه به اوضاع و احوال، ممکن است طفل را به عهده سرپرست او بگذارد و چنانچه لازم بداند این وظیفه را به عهده کانون اصلاح و تربیت اطفال قرار دهد.

چنانکه قانونگذار افغانستان در ماده ۱۰۹ کود جزا، بیان می‌کند که هرگاه طفل مرتکب جنحه گردد، محکمه یکی از تدابیر احتیاطی را در برابر وی اتخاذ می‌کند.

الف- تسلیمی به والدین

ب- حجز در منزل

ج- فرستادن به مؤسسه های خدمات اجتماعی

ح- حجز در بخش باز و یا بسته مرکز اصلاح و تربیت و...

همچنین قانون گذار ایران در ماده ۱۴۸ قانون مجازات اسلامی مقرر داشته است که "در مورد افراد نابالغ، بر اساس مقررات این قانون، اقدامات تأمینی و تربیتی اعمال می شود". بنابراین دادگاه براساس صلاح دید لازم اقدامات تأمینی و تربیتی را انجام می دهد.

قانون مجازات در ماده ۸۸ مقرر میدارد که؛ اطفال و نوجوانانی که مرتکب جرائم تعزیری می شوند و سن آنها در زمان ارتکاب، نه تا پانزده سال تمام شمسی است حسب مورد، دادگاه یکی از تصمیمات زیر را اتخاذ میکند: الف- تسلیم به والدین یا اولیاء یا سرپرست قانونی با أخذ تعهد به تأدیب و تربیت و مواظبت در حسن اخلاق طفل یا نوجوان. با ملاحظه مفاد این ماده ملاحظه می شود که:

اولاً- مقنن سن نوجوانی را از سن کودکی تفکیک نموده به نحوی که دختران در سن کمتر از ۱۲ سالگی طفل بوده و از ۱۲ سالگی به بعد نوجوان محسوب می شوند و لی پسران نیز تا ۱۵ سالگی طفل هستند چرا که سن بلوغ برای آنان ۱۵ سال تمام قمری تعیین شده است. مع هذا براین پسران از سن ۱۲ سالگی به بعد به عنوان "نوجوانی" اطلاق می گردد.

ثانیاً- اگر چنین اطفال و نوجوانانی مرتکب جرائم تعزیری شوند و معاف از مسئولیت بوده و نمی توان آنان را محکوم نمود، بلکه در صورت ارتکاب جرم بایستی جهت تأدیب و تربیت و مواظبت در حسن اخلاق به والدین یا اولیاء و یا سرپرست قانونی با اخذ تعهد کتبی تسلیم شوند. در صورتی که دادگاه تشخیص دهد که والدین یا اولیاء آنها، صلاحیت تربیت و مواظبت از حسن اخلاق طفل یا نوجوان را ندارند یا محیط خانوادگی طفل به نحوی است که امکان تربیت او در ان امکان پذیر نمی باشد در این صورت، دادگاه می تواند آنان را به اشخاص حقیقی یا حقوقی دیگری تسلیم نماید (هوشنگ شامبیاتی، همان، ۲۶۰):

ب- تسلیم به اشخاص حقیقی یا حقوقی دیگری که دادگاه به مصلحت طفل یا نوجوان بداند با الزام به انجام دستورهای مذکور دربند(الف) در صورت عدم صلاحیت والدین، اولیاء یا سرپرست قانونی طفل یا نوجوان و یا عدم دسترسی به آنها با رعایت مقررات ماده(۱۷۳)قانون مدنی.

پ- نصیحت به وسیله قاضی دادگاه

ت- اخطار و تذکر و یا أخذ تعهد کتبی به عدم تکرار جرم

ث- نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از سه ماه تا یک سال در مورد جرائم تعزیری درجه یک تا پنج

از مواد کود جزای افغانستان و قانون مجازات اسلامی فوق نکات ذیل برداشته می شود؛

۱- مسأله بزهکاری اطفال دارای اهمیت بسزایی است؛ زیرا از یک طرف باید جامعه را از جرایم بزهکاران و نوجوان مصئون نگاه داشت و از طرف دیگر باید جهت اصلاح و تربیت اطفال بزهکار، اقدامات موثری به عمل آورد.

۲- به موجب مواد ذیل اطفال بزهکار به سه دسته تقسیم می شوند:

الف- در کود جزای افغانستان اطفال کمتر از ۱۲ و در قانون مجازات اسلامی اطفال کمتر از ۹ سال شمسی مطلقاً فاقد مسوولیت کیفری می باشند و حسب اشعار ماده ۹۶ کود جزای افغانستان و ماده ۱۴۸ قانون مجازات اسلامی، اقدامات تأمینی و تربیتی در خصوص ایشان اعمال می گردد.

ب- برخورد با اطفال و نوجوانانی که در زمان ارتکاب جرم در افغانستان زیر ۱۲ سال و ۱۲-۱۸ سال و در ایران ۹-۱۵ سال شمسی سن دارند با توجه به نوع جرم ارتكابی و سن دقیق متفاوت است.

در حقوق جزای افغانستان: اولاً؛ هرگاه طفل مرتکب قباحث گردد، محکمه می تواند به عوض حجز به وی اختطاریه صادر و یا او را به والدین، ممثل قانونی و یا سرپرست قانونی تسلیم نماید. در این حالت والدین، ممثل قانونی و یا سرپرست قانونی طفل مکلف است، حسن تربیت طفل را کتباً تعهد نماید. هرگاه والدین بنا بر دلایلی حسن تربیت را به عهده نگیرد، محکمه طفل را به یکی از مؤسسه های که به این منظور ایجاد گردیده، تسلیم می نماید (ماده ۱۱۲ کود جزای افغانستان).

ثانیاً؛ هرگاه طفل مرتکب جنحه گردد، محکمه وی به ترتیب به سپردن به والدین، حجز در منزل، فرستادن به مؤسسه های خدمات اجتماعی و حجز در بخش باز یا بسته مرکز اصلاح و تربیت اطفال، محکوم می نماید (ماده ۱۰۹ کود جزای افغانستان).

ثالثاً؛ هرگاه طفل مرتکب جنایت گردد، با توجه به سن آنان برخورد محکمه متفاوت خواهد بود: طفلی که ۱۲ سال را تکمیل اما ۱۶ سال را تکمیل نکرده باشد، در صورت ارتکاب جنایت به بیش از ربع حداکثر مجازات که برای عین جرم توسط بزرگ سالان تعیین گردیده، محکوم می شود. طفلی که ۱۶ سال را تکمیل اما ۱۸ سال را تکمیل نکرده باشد، در صورت ارتکاب جنایت به بیش از ثلث حداکثر مجازات که برای عین جرم توسط بزرگ سالان تعیین گردیده، محکوم می شود.

در حقوق جزای ایران: اولاً؛ در جرایم تعزیری اگر مرتکب ۹ تا ۱۲ ساله باشد، مشمول تصمیمات بند الف تا پ ماده فوق خواهند شد.

ثانیاً؛ در جرایم تعزیری، اگر مرتکب ۱۲-۱۵ ساله باشد، مشمول تصمیمات بند الف تا ث ماده فوق خواهد شد. تصمیمات بند ت و ث وفق تبصره ۱ به این گروه اختصاص دارد. اعمال بند ث نیز مختص اطفال و نوجوانانی است که مرتکب جرایم تعزیری درجه یک تا پنج شده اند.

ثالثاً؛ در جرایم مستوجب حد یا قصاص، مرتکب نابالغ ۹ تا ۱۲ سال قمری به یکی از اقدامات الف تا پ و ۱۲ تا ۱۵ سال قمری به یکی از اقدامات ت تا ث محکوم می شود.

ج- در حقوق کیفری ایران، نوجوانانی که در زمان ارتکاب جرم کمتر از ۱۸ سال شمسی دارند، بسته به ماهیت جرم ارتكابی مشمول یکی از واکنش ها می گردند:

اولاً؛ در جرایم تعزیری، بسته به درجات تعزیر اشخاص ۱۵ تا ۱۸ ساله به مجازات های بند الف تا ث ماده ۸۹ ق.م.ا محکوم می شوند.

ثانیاً؛ در جرایم مستوجب حد یا قصاص، اصل بر محکومیت بالغ کمتر از ۱۸ سال به مجازات مقرر در باب حدود و قصاص است؛ مگر در فرض مقرر در ماده ۹۱ ق.م.ا که در این صورت به جای مجازات های پیش بینی شده در قانون فوق محکوم می شوند.

۳- مفاد مواد ۹۱ و ۸۹ ق.م.ا. در مورد اطفال و نوجوانانی قابل اعمال است که مرتکب جرم تعزیری گردیده اند و قانونگذار مبنای تعیین سن را بدون اینکه بین ذکور و اناث تفاوت قایل باشد، سال شمسی قرار داده است. این در حالی است که در ماده ۱۴۷ ق.م.ا. سن مسوولیت کیفری در ذکور ۱۵ سال تمام قمری، معادل ۱۴ سال و ۷ ماه شمسی و در اناث ۹ سال تمام قمری معادل ۸ سال و ۹ ماه شمسی، قرار داده شده است. بدین ترتیب اقدامات مقرر در این ماده نسبت به پسران صرفاً به عنوان اقدامات تأمینی و در ارتباط با دختران با توجه به مسوولیت کیفری کامل ایشان در این بازه سنی، نوعی مجازات تعدیل شده یا تبدیل شده به اقدامات تأمینی به صورت خاص است (شمس ناتری، ۱۳۹۲، ۳۰۳-۳۰۴).

پس بطور کل اشکال؛ که در ماده ۸۸ قانون مجازات وارد است اینکه؛ اولاً نه تا پانزده سال شمسی را بصورت عام گفته است که هم دختران و هم پسران را در بر می گیرد، در حالیکه فقه اسلام بین سن بلوغ دختران و پسران تفاوت قایل است. بنأ دختران که سن بلوغ شان ۹ سال است باید در این ماده ذکر میشد که در خصوص دختران اشخاص بالغ زیر ۱۵ سال هستند.

۴- عوامل بزهکاری اطفال و نوجوانان

۴-۱) نقش عوامل اجتماعی در بزهکاری اطفال و نوجوان

در جامعه شناختی و جرم شناختی انحراف یکی از عوامل بزهکاری اطفال و نوجوانان می تواند محیط، وضعیت مسکن، تراکم جمعیت، آلودگی هوا و آلودگی صوتی، زندگی در حاشیه شهرها، مهاجرت از روستاها به شهرها و سایر موارد باشد.

منظور از عوامل اجتماعی که به صورت اجمالی به آنها در این قسمت اشاره می شود، "کلیت علل محیطی و پیرامونی است که فیزیک زندگی افراد را تحت تأثیر قرار می دهد" (رویا فرزین راد، ۱۴۷).

نتایج تحقیقات در گذشته نشان می دهد وقتی که در جامعه ای ثبات اجتماعی وجود نداشته باشد، جامعه در شرایط سخت چون شورش، جنگ و انقلاب باشد و یا پاره ای شرایط غیر عادی و ناسازگاری در جامعه رواج

داشته باشد، میزان بزهکاری، به ویژه بزهکاری اطفال رو به افزایش می‌گذارد و برعکس، هر قدر جامعه به سوی پایداری سوق داده شود، میزان بزهکاری کاهش می‌یابد.

۲-۴) نقش عوامل اقتصادی در بزهکاری اطفال و نوجوان

فقر یکی از عوامل مهم دیگر در ایجاد انحراف‌ها از جمله سرقت و انحراف جنسی در انسان‌ها، به ویژه اطفال و نوجوانان است. بدون شک فقر به وجود آورنده سختی‌ها و مشکلات است که اگر با آن مبارزه نشود، خواه ناخواه انسان را به زانو در می‌آورد. بیشتر محرومیت‌ها که موجب بی‌اعتمادی اجتماعی می‌شود، ناشی از عامل فقر است که نباید آن را نادیده گرفت (اصلاح و تربیت، ۱۳۸۰، ۷۰).

بیکاری، کمبود مواد خوراکی، بی‌سوادی، جهل و خرافات، بیماری‌های روحی و جسمی و حتی در سطح جهانی، جنگ‌ها و خونریزی‌ها، ریشه در نیازهای مادی و ترس از فقر دارد. باید توجه داشت در کنار چنین دیدگاه‌هایی، عده‌ای دیگر از جرم‌شناسان با نگاه عمیق‌تر به بررسی این مسئله پرداخته‌اند، از جمله «ساترلند» جامعه‌شناس معروف آمریکایی صرف مشکلات اقتصادی و فشار ناشی از آن را عامل مؤثر در ارتکاب جرم ندانسته بلکه به الگوهای ناهنجار اخلاقی و تفوق یافتن این ارزش‌ها در اجتماع نسبت می‌دهد. بنابراین جرایم «یقه سفیدها» منسوب به طبقات تحصیل کرده جامعه در اشکال کلاهبرداری، قاچاق انسان و کالا و... رخ می‌دهد. گرایش به استعمال مواد مخدر، مشروبات الکلی، خودکشی و انحرافات اخلاقی از جمله رفتارهای بزهکارانه‌ای است که میان طبقه مرفه دیده می‌شود (اردبیلی، ۱۳۸۰، ۴۰).

۳-۴) نقش روابط والدین با اطفال در بزهکاری آنان

تحقیقات نشان می‌دهد که مهم‌ترین عامل در بزهکاری اطفال و نوجوانان، روش تربیتی نادرست یا اختلال در شبکه ارتباطی خانواده باشد. تقریباً اکثر پژوهش‌ها نشان داده است که والدینی که با کودکان خود مهربان نیستند، بیشترین فرزندان بزهکار را داشته باشند.

همچنین در خانواده‌هایی که والدین نسبت به فرزندان خود بی‌توجه، غافل و اذیت‌کننده هستند و یا در صورتی که کودک رابطه بسیار ضعیفی با خانواده خود داشته و آنان را به عنوان الگوهای غیر قابل پذیرش بررسی می‌کند، احتمال بزهکاری بالا می‌رود و نیز خانواده‌هایی که فاقد پدر بوده و یا پدر غیبت طولانی در آغوش گرم خانواده را دارد و یا اینکه طلاق رخ داده است، یا خانواده‌های که سابقه جنایی دارند، به همان میزان احتمال دارد که کودکان آنان به سوی جرایم سوق پیدا نمایند.

۴-۴) نقش دوستان و همسالان و همبازی‌ها در بزهکاری اطفال و نوجوان

نقش دوستان و همسالان و همبازی شدن با آنان، صرف نظر از طبقه اجتماعی و اقتصادی، عامل مهمی در بزهکاری است. اطفال و نوجوانانی که مورد توجه والدین شان قرار نمی‌گیرند و یا هم از والدین خود طرد می‌شوند برای کسب حمایت سمت دوستان و همسالان کشانده می‌شوند، تحقیقات نشان داده که چنین نوجوانانی در مدرسه ضعیف هستند و معمولاً به دنبال افرادی می‌گردند که مانند خودشان باشند. از این رو به

احتمال قوی دست به اعمال مجرمانه زده و همدیگر را برای ارتکاب این عوامل مورد تشویق قرار می‌دهند (رویای فرزین راد، ۱۴۹).

۵-۴) نقش مدرسه در بزهکاری اطفال و نوجوان

مدرسه بعد از خانواده نقش بسیار مهمی در زندگی اجتماعی کودک و نوجوان را به عهده دارد؛ زیرا اطفال و نوجوانان بیشتر وقت خود را در مدرسه نیز می‌گذرانند. بنابراین، اولیاء و آموزشگاه‌ها، به خوبی می‌توانند ضمن مراقبت و کنترل رفتارهای نوجوانان به مشکلات و ناسازگاری آنان پی ببرند. همچنین مدرسه باعث رشد ذهنی، عاطفی و اجتماعی کودکان شده و با آموزش حرفه‌ای خاص، آنان را برای ورود به دنیای بزرگسالان آماده می‌کند.

۶-۴) نقش مهاجرت در بزهکاری اطفال و نوجوان

عامل دیگری که باعث بالا رفتن نرخ بزهکاری اطفال و نوجوانان شده است، مهاجرت از روستا به شهر و یا از شهر به روستاء است. وضع مساعد و مطلوب مراکز شهری و امکانات رفاهی آن باعث شده که سالانه عده‌ای از روستائیان به نقاط شهری و یا از کشورهای فقیر به کشورهای پیشرفته تر مهاجرت کنند. از این رو وضعیت و کمبود مسکن و عدم انطباق با قواعد و معیارهای حاکم بر شهرها و جوامع بزرگ‌تر باعث می‌شود که مهاجران با سکونت در حاشیه شهرها، عملاً زندگی مجرمانه‌ای را آغاز کنند (اصلاح و تربیت، ۱۳۸۰، ۷۳). افزایش آمار جرایمی از قبیل سرقت، خرید و فروش و استعمال مواد مخدر، در این‌گونه مهاجرین، امروزه مشکلی بزرگی را بوجود آورده است.

واضح است که سهم اطفال و نوجوانان در این میان، چیزی به جز گرفتار شدن در باندهای مجرمانه نمی‌باشد. مهاجرین بنابر دلایلی از جمله برای کسب درآمد مالی، اطفال نوجوانان مجبور به کارهای کاذب می‌کنند. مثلاً آنان را به تکدی، سرقت، جیب‌بری و یا خرید و فروش مواد مخدر وادار می‌کنند.

نتیجه‌گیری

۱- مسئولیت عبارت است از رسیدن به حد کمال جسمی و فکری که علت یک عامل داخلی مختل نشده باشد، در حالی ممکن است رشد جسمی و فکری مرتکب الزاماً مترادف با مسئولیت نباشد.

مسئولیت کیفری گاهی مبتنی بر خطا و تقصیر مرتکب است که مجازات را در پی دارد و گاهی مبتنی بر خطرناک بودن مجرم است که مستوجب اقدامات تأمینی خواهد بود. مسئولیت کیفری امری جدا از عناصر عمومی جرم (عنصر قانونی، مادی و معنوی) است. بنابراین شخص ممکن است جرمی را با همه عناصر آن انجام دهد اما مسئولیت کیفری نداشته باشد مثلاً طفل ممیزی که مرتکب سرقت می‌شود، عمل ربودن مال غیر

را انجام داده است و عمل او از نظر قانون جزا، جرم است و ارادی هم می‌باشد اما از آن جا که طفل، فاقد قدرت تشخیص است مسئولیت کیفری ندارد و در عمل انجام شده به عنوان جرم، نقصی وجود ندارد بلکه نقص، مربوط به مرتکب جرم است.

اسلام در خصوص مسئولیت کیفری نیز در دیدگاهی واقع بینانه شروطی را برای تحقق آن پیش بینی کرده است که در صورت فقدان هر یک از آنها مسئولیت کیفری منتفی می‌خواهد گردید، یا با وجود مسئولیت کیفری در مواردی، مجازات با مانع برخورد نموده، اعمال نخواهد شد.

از دیدگاه اسلام بلوغ و عقل و علم و آگاهی، اراده آزاد و اختیار، هوشیاری و بیداری، مهم ترین شرط های تحقق مسئولیت کیفری هستند؛ بنابراین، انسان صغیر (طفل و کودکان)، مجنون... هرگز مسئولیت کیفری ندارند و قابل مجازات نیستند.

۲- در کود جزای افغانستان و قانون مجازات اسلامی برخورد قانونگذار از لحاظ نوعیت جرم و سن متخلف متفاوت است. چنانکه کود جزای افغانستان افراد زیر ۱۲ سال را فاقد مسئولیت کیفری و اطفال نوجوان بالا ۱۲ سال را دارای مسئولیت کیفری شناخت است اما قانون مجازات اسلامی دختران که ۹ سال و پسران که ۱۵ سال قمری را تمام نکرده باشد، فاقد مسئولیت کیفری و از ۱۵-۱۸ سال را دارای مسئولیت کیفری شناخته است.

۳- عوامل از قبیل، تراکم جمعیت، فقر، آلوده گی هوا، تربیت نادرست والدین، محیط مدرسه، مهاجرت، به خصوص دوستان و همسالان و تربیت والدین در بزهکاری اطفال و نوجوانان نقش بسیاری مهمی دارد و نیز مدرسه بعد از خانواده نقش بسیار مهمی در زندگی اجتماعی کودک و نوجوان را به عهده دارد؛ زیرا اطفال و نوجوانان بیشتر وقت خود را در مدرسه می‌گذرانند. بنابراین آموزشگاه‌ها، به خوبی می‌توانند ضمن مراقبت و کنترل رفتارهای نوجوانان به مشکلات و ناسازگاری آنان پی ببرند.

منابع

- ۱- اردبیلی، محمد علی، جامعه‌شناسی جنایی، تهران: معاونت آموزش دانشگاه آزاد اسلامی.
- ۲- قانون مجازات اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۲.
- ۳- قانون رسیدگی به تخلفات اطفال مصوب ۱۳۹۳.
- ۴- کود جزای افغانستان مصوب ۱۳۹۶.
- ۵- موفق علی عبید، المسؤولية الجزائية للاطباء، دار الثقافة والنشر والتوزيع.

- ۶- شامبیاتی، هوشنگ، بزهکاری اطفال و نوجوانان، تهران، چاپ کیان، چاپ سوم، ۱۳۷۲.
- ۷-، حقوق جزای عمومی، ج ۲، تهران، مجد، ۱۳۹۲.
- ۸- هوشنگ شامبیاتی، حقوق جزای عمومی، ج ۲، ص ۲۱۱، تهران، نشر مجد ۱۳۹۲.
- ۹- زراعت، عباس، حقوق جزای عمومی، ج ۱، چ اول، نشر تهران ققنوس، ۱۳۸۵.
- ۱۰- قیاسی جلال الدین و دیگران، مطالعه تطبیقی حقوق جزای عمومی، ج ۱، چ ۴، قم، سبحان.
- ۱۱- شمس ناتری، محمد ابراهیم، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی، چ اول، تهران نشر میزان ۱۳۹۲.
- ۱۲- نشریه اصلاح و تربیت، کدام عوامل در بزهکاری اطفال مؤثرند. شماره ۳۹.
- ۱۳- نشریه اصلاح و تربیت، کدام عوامل در بزهکاری اطفال مؤثرند، شماره ۹۳، ۱۳۸۰.
- ۱۴- فرزین راد، رویا، تبیین حقوقی مسئولیت کیفری اطفال و نوجوانان و نگرشی بر کارکرد پلیس ایران، فصلنامه دانش انتظامی، اول، نهم.

15-Muncie, J. the trouble with kids today: Youht crime in post-war Britain-London-Huchinson-1984, pp. 68-86.